

چه کسانی در راه شاهی به مسافران خدمات ارائه می‌کردند؟

لیلا مکوندی*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان

(از ص ۱۵۷ تا ۱۷۵)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۷/۰۶؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۸/۱۰

چکیده

متون تاریخی اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی اهمیت راه شاهی هخامنشی از نظر وسعت، چگونگی کنترل و برقراری امنیت در آن، ایستگاه‌های بین‌راهی و خدماتی که به مسافران ارائه می‌شد در اختیار می‌گذارند، اما درباره‌ی نوع مشاغل و کارکنان شاغل در حوزه‌ی خدمات سفر سکوت کرده‌اند. در این زمینه، ۷۱۹ متن مربوط به جیره‌های سفر (متن‌های Q) موجود در بایگانی باروی تخت‌جمشید اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره‌ی مشاغل مختلف مرتبط با خدمات سفر دارند. در پژوهش حاضر متن‌های مربوط به هر شغل خاص تفکیک و تلاش شده است که با تحلیل و مقایسه‌ی آن‌ها بر مبنای نام شخص شاغل، مهر و دیگر اطلاعات موجود به شناختی نسبی از این مشاغل و حیطة‌ی فعالیت آن‌ها دست یابیم. مطالعه‌ی متن‌ها نشان می‌دهد که عناوین شغلی مختصّ خدمات سفر ریشه‌ی ایرانی دارند و برخی از آن‌ها مانند راهنماهای سفر، تخصصی و سلسله‌مراتبی بوده است.

واژه‌های کلیدی: هخامنشی، ساختار اداری، بایگانی باروی تخت‌جمشید، راه شاهی، خدمات سفر

۱. مقدمه

سیمو پارپولا (Simo Parpola) امپراتوری آشور نو را «امپراتوری ارتباطات» توصیف می کند (Parpola 1987:8). اما به نظر می رسد که این وصف به طور دقیق تر درباره‌ی شاهنشاهی هخامنشی صدق می کند. این برداشت با مقایسه‌ی تفاوت بنیادین کاربری این راه‌های ارتباطی در این دو حکومت تأیید می شود. همان گونه که مورخان یونانی و مدارک باستان‌شناسی نشان می دهند، برای بیش از دو قرن ساختارهای سازمان یافته و پیچیده‌ی ارتباطی هخامنشیان در سیاست، امور نظامی، اقتصادی و اداری، فرهنگی و مذهبی سبب استواری بزرگ‌ترین امپراطوری دوران باستان شد. سازماندهی راه‌های ارتباطی در سرتاسر قلمرو وسیع هخامنشی معروف به «راه شاهی» ستون فقرات امپراتوری بود. بزرگراه‌ها، راه‌های اصلی و محلی ساخته و بازسازی شده توسط دستگاه دولتی، سهم مهمی در تسهیل و سرعت ارتباطات داشت و نقل و انتقالات مختلف در سراسر قلمرو پارسیان را راحت تر کرده و فعالیت‌های روزمره‌ی ساکنان امپراتوری را تسهیل می کرد؛ درحالی که مدارک نشان می دهد سیستم راه شاهی آشوری برای اهداف نظامی بوده و کنترل آن در دست نظامیان بود. این امر سبب می شد افراد غیرنظامی نتوانند از بیشتر این راه‌ها استفاده کنند (Kessler 1997).

با وجود اینکه اهمیت راه‌ها در دوره‌ی هخامنشی واضح است، اما هنوز پرسش‌های بی پاسخ متعددی درباره‌ی وضعیت و کارکنان مرتبط با راه‌ها وجود دارد. کارکرد دقیق این راه‌ها چه بوده است؟ آیا ما مسیرهای اصلی این راه‌ها را در سراسر قلمرو هخامنشیان می شناسیم؟ این راه‌ها چگونه کنترل و نگهداری می شدند؟ آیا مشاغل خاصی در رابطه با ساخت، نگهداری و فعالیت‌های مربوط به سازماندهی امور سفر و مسافران مختلف تعریف شده بود؟ و پرسش‌های متعدد دیگری که مورد بحث هستند. اما از آنجا که بحث اصلی پژوهش، شناسایی مسیر و وسعت راه شاهی نیست و هدف مشاغل مرتبط با سازماندهی و خدمات مسافرتی در طول راه شاهی است، بنابراین روی این بحث تمرکز خواهد شد.

منابع کلاسیک به وسعت و طول راه‌ها اشاره می کنند. هرودوت در شرح جامعی از راه شاهی اذعان می کند که سفر از سارد به شوش تقریباً سه ماه به طول می انجامید (هرودوت، کتاب پنجم، بند ۵۴-۵۲). وی در توصیف لشکرکشی خشایارشا به جزایر یونانی نشین بیان می کند که خشایارشا برای رساندن خبر پیروزی اولیه به شوش «پیک‌های شاهی» را ارسال کرد و درباره‌ی حرکت این پیک‌ها، مسیر آن‌ها و ایستگاه‌های سفر اطلاعاتی می دهد (هرودوت، کتاب هشتم، بند ۹۸). گزنفون نیز در کوروش نامه به توصیف چاپارخانه‌هایی در طول راه شاهی یا همان ایستگاه‌های سفر ذکر شده در متون بایگانی باروی تخت جمشید می پردازد که تسهیلات لازم را در اختیار پیک‌های تندرو قرار می دهند (گزنفون، کتاب ۸، فصل ۶، بند ۱۸-۱۷). کتزیاس نیز در پرسیکا ایستگاه‌های سفر، فاصله‌ی آن‌ها از یکدیگر و طول مدت سفر از افسوس به باکتريا (بلخ) و هند را توصیف می کند (کتزیاس، پرسیکا، بند ۶۴). با این وجود، همه‌ی این متون تاریخی درباره‌ی کارکنان و افراد شاغل در حوزه‌ی خدمات سفر در ایستگاه‌های سفر و اداره‌های مرتبط با آن اطلاعات اندکی می دهند. اسناد موجود در بایگانی‌های متعدد هخامنشی از بخش‌های گوناگون امپراتوری اطلاعات ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران قرار داده است. متن‌های بایگانی باروی دریچه‌ی نوینی را به سوی شناخت ما از مسافران و مشاغل مختلف در این زمینه باز می کند. در متن‌های بایگانی‌های دیگر مانند نامه‌های ارشام از مصر (Whitehead 1974) یا متن‌های مربوط به سفر در بایگانی‌های بابلی (Jankovic- Cysewski 2008) اشاره‌هایی به مشاغلی در این

زمینه وجود دارد ولی به دلیل اندک بودن تعداد متن‌ها یا پراکندگی آن‌ها، نمی‌توان بازسازی انسجام یافته‌ای از ساختار شغلی در آن‌ها ارائه نمود. در متن‌های سفر در بایگانی باروی تخت‌جمشید مشاغل مختلفی مرتبط با خدمات سفر ذکر شده است. تلاش می‌شود در مطالب پیش‌رو با تجزیه و تحلیل متن‌ها، شناختی از این مشاغل و حیطة فعالیت آن‌ها حاصل شود.

۲. سازماندهی و اهمیت راه‌ها

هخامنشیان برای کنترل و برقراری امنیت در قلمرو وسیع خود نیازمند به ساماندهی و ساخت شبکه‌های متعدد راه‌ها و بزرگراه‌ها بودند. آن‌ها با بازسازی و هموار کردن راه‌های قدیمی مانند راه‌های آشوری و ساخت راه‌های جدید در بخش‌های دیگر، قلمرو خود را به شبکه گسترده‌ای از راه‌ها مجهز ساختند. گرچه بحث مفصل درباره‌ی راه شاهی در این مجال نمی‌گنجد، اما با اطمینان می‌توان گفت که مدیریت، نگهداری و برقراری امنیت در این راه گسترده‌ی شاهی نیازمند به کارگیری نیروهای متخصص فعال در زمینه‌های گوناگون اعم از مهندسی و ساخت راه‌ها، نیروهای امنیتی و کارمندان متعدد مربوط به اداره‌های مختلف برای سرویس‌دهی به مسافران بوده است. نوشته‌های مورخان یونانی و متن‌های به‌دست‌آمده از بایگانی‌های مختلف در ساتراپ‌های هخامنشی این امر را تأیید کرده و نشان می‌دهند که راه شاهی به صورت منظم کنترل می‌شد و در سرتاسر آن امنیت برقرار بود (بریان، ۱۳۸۶: ۲۶۸-۲۶۷). در طول این مسیر تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتری از سارد تا شوش بر مبنای محاسبه فواصل ارائه شده توسط هرودوت (Briant: 2012; Graf 1994: 187) و دیگر مورخان، باید ادامه‌ی راه از شوش به باکتريا و آراخوزیا تا هند را که در متن‌های بایگانی بارو تأیید می‌شود، بدان بیافزاییم؛ از غرب به شرق طیف گسترده‌ای از مسافران محلی و خارجی از هر سن و جنسیت به صورت تک‌نفره یا گروهی همراه با کاروان سفر می‌کردند و علاوه بر آن مالیات‌ها و نامه‌های حکومتی با امنیت جابه‌جا می‌شده است (بریان، ۱۳۸۶، ۲۷۶-۲۷۵).^۱

۳. بایگانی باروی تخت جمشید

بایگانی باروی تخت‌جمشید در ۶ مارچ (۱۶ اسفند) ۱۹۳۳ در کاوش‌های ارنست هرتسفلد در گوشه‌ی شمال شرقی صفه‌ی تخت‌جمشید به‌دست آمد که کاوش و آزادسازی گل‌نبشته‌ها بیش از چهارماه به طول انجامید.^۲ مطالعه‌ی متن‌ها مشخص کرد که این بایگانی مربوط به بازه‌ی زمانی ۴۹۳-۵۰۹ ق.م (سال سیزدهم تا بیست و هشتم سلطنت داریوش) بوده و شامل حدود ۱۰۰۰ تا ۸۰۰۰ گل‌نبشته عیلامی به خط عیلامی-هخامنشی،^۳ در حدود ۵۰۰-۷۰۰ یا بیشتر گل‌نبشته به خط آرامی^۴ و دست‌کم ۵۰۰۰ لوح نوشته نشده و فقط دارای اثرمهر است که البته بیشتر گل‌نبشته‌های عیلامی و آرامی نیز مهر شده‌اند (Henkelman 2008: 95-99; Garrison 2008). متن گل‌نبشته‌ها، کاربرد مهر بر روی آن‌ها، تنوع طرح مهرها و تعداد آن‌ها، نشان‌دهنده‌ی سطح بالای پیچیدگی ارتباطات در مؤسسات اداری دوره‌ی هخامنشی است. درواقع، چرخه‌ی انجام فعالیت‌های متعدد توسط هزاران نیروی انسانی فعال در بایگانی به مدیریت، نظارت و کنترل دقیق اداره‌ی مرکزی در تخت‌جمشید انجام می‌شده است. بایگانی باروی داری محدوده‌ی جغرافیایی مشخص از تخت‌جمشید تا حدود شوش است و فعالیت آن مربوط به نگهداری اسناد مربوط به تولید و ذخیره‌سازی محصولات غذایی، پرداخت

آن‌ها به صورت جیره‌های حقوقی به کارمندان، صنعتگران و کارگران یا برای مراسم مذهبی و جیره‌ی مسافران و حیوانات است. داده‌های متن‌ها ما را تا حدودی از نوع محصولات تولیدی منطقه، نگهداری حیوانات و نوع آن‌ها مطلع می‌سازند. همچنین این متن‌های کوتاه گزارشی، شناخت ما را نسبت به شیوه‌های کنترل و مدیریت، مالیات، اقتصاد، راه شاهی، جایگاه زنان، سازماندهی و کنترل نیروهای کار، مراسم مذهبی و جنبه‌های متعدد دیگر در مرکز امپراتوری هخامنشی افزایش می‌دهند.^۵

هلوک براساس محتوای متن گل‌نبشته‌ها آن‌ها را بنابر الفبای انگلیسی در ۳۲ گروه از A-W طبقه‌بندی کرد^۶ که برخی از گروه‌ها خود بر اساس تفاوت‌های اندک به زیرگروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند؛ به عنوان مثال، گروه C خود ۶ زیرگروه C₁-C₆ دارد.^۷ متن‌های هر یک از گروه‌ها مربوط به فعالیت اداری مشخصی است اما همه به صورت زنجیره‌ای به هم پیوسته‌اند و مطالعه‌ی یک گروه متنی بدون گروه‌های دیگر ناقص خواهد بود.

متن‌های سفر از مهم‌ترین گروه‌های متنی هستند که بیشترین تعداد گل‌نبشته‌ها را در بایگانی دارند. این متن‌ها مربوط به پرداخت جیره‌های غذایی به مسافرانی است که از محدوده‌ی جغرافیایی زیر پوشش بایگانی باروی عبور می‌کنند. این مسافران را طیف گسترده‌ای از اقشار مختلف از درباریان تا کارگران ساده تشکیل می‌دهند. مسافرانی که از بخش‌های مختلف قلمرو امپراتوری با هدف ملاقات با شاه^۸ یا انجام فعالیت‌های دیگر به شوش یا تخت‌جمشید سفر می‌کنند، بخش عمده‌ای از مسافران را تشکیل می‌دهند. این مسافران اعم از زن و مرد از سارد، شوش، بلخ، مصر و مناطق دیگر آمده و با عبور از محدوده‌ی اداری بایگانی باروی، جیره‌های خوراکی لازم برای رسیدن به مقصد خود را دریافت می‌کردند. در طول سفر به مرکز امپراتوری، مسافرانی را که از ساتراپی‌های دیگر می‌آیند، اشخاصی با عنوان راهنمای سفر همراهی می‌کنند.

۴. ساختار متن‌های سفر

متن‌های سفر^۹ یا به اصطلاح متن‌های Q از PF 1285-1579, PF 2049-205 و Pfa (Hallock 1969: 40) و 12-23 (Ibid 1978: 120-124)^{۱۰} مربوط به پرداخت جیره‌های غذایی به مسافران هستند. متن‌ها شامل دریافت کالاهایی مانند آرد و آج و بندرت مواد خوراکی دیگری مانند گوشت یا خرما و میوه است. جیره‌ها به صورت روزانه پرداخت می‌شد که نشان می‌دهد مسافران باید فاصله‌ی بین دو ایستگاه دریافت آذوقه را در یک روز طی کنند و جیره‌ها به طور معمول به مقدار ۱ و ۱,۵ قه (QA)^{۱۱} است. جیره‌ها معمولاً بر حسب مقام اجتماعی اشخاص و شمار همراهان متفاوت بود. به طور معمول سرپرست گروه سند مهرشده از طرف شاه یا مقام‌های اداری مهم را به همراه داشت. شوش و تخت‌جمشید، همان‌طور که می‌توان انتظار داشت، بیشترین مسیرهای مبدا و مقصد مسافران هستند (مکوندی ۱۳۹۲: ۶۱). البته مسافرانی نیز از بخش‌های دیگر امپراتوری مانند قندهار، بلخ، هند در شرق یا سارد و مصر نیز ذکر شده‌اند. نام برخی از مکان‌های جغرافیایی نیز هنوز نامشخص و ناشناخته است.^{۱۱}

به طور معمول یک متن کامل سفر، به صورت گزارشی نوشته‌شده و دارای اطلاعاتی مانند نام فراهم‌کننده‌ی کالا که جیره‌ها را به مسافران می‌دهد، نام دریافت‌کننده که به طور عمده مسئول گروه است، مقدار کل جیره غذایی، شمار دریافت‌کنندگان یا همان مسافران و مقدار جیره‌ای که به هر شخص داده می‌شود، مسیر سفر

(مبدا و مقصد)، نام شخص صادرکننده‌ی سند مهرشده (Halimi)^{۱۲} که با ارائه‌ی آن جیره خود را دریافت می‌کنند و تاریخ^{۱۳} (سال و ماه و به‌ندرت روز) است که سپس با دو مهر کارمند فراهم‌کننده‌ی کالا در سمت چپ و مهر دریافت‌کننده در پشت یا جاهای نوشته‌نشده‌ی دیگر گل‌نشته را مهر می‌کردند. در برخی از متن‌ها اطلاعاتی چون ملیت مسافران، شغل آن‌ها، دلیل سفر و محل دریافت جیره نیز ذکر شده است. البته باید اشاره کرد که از ۷۱۹ متن موجود فعلی، در حدود نیمی از آن‌ها دارای اطلاعات کامل هستند و در بیشتر آن‌ها یک یا چند مورد از قلم افتاده و یا احتمال دارد به دلیل اینکه از دیدشان ضروری نبوده، به عمد آن‌ها را ننوشته باشند.

نمونه یک متن کامل سفر PF 1383:

۷-۱ ۱،۲۵ بار^{۱۴} آرد، توسط میره یئوده (Mirayauda) فراهم شده، اشره (Aššara) دریافت کرد، او خودش ۲ قه دریافت کرد. ۱ مرد ۱،۵ قه دریافت و ۹ پسر هریک ۱ قه دریافت کردند.
او سند مهرشده از شاه همراه داشت.^{۱۱-۹} آن‌ها از شوش به هند می‌روند.
سال بیست و سوم، ماه ۱۲.^{۱۳-۱۲}

(دو مهر: 18 PFS^{۱۵} سمت چپ، PFS 1306 پشت گل‌نشته) (Hallock 1969: 390)

اطلاعات موجود در متن‌های سفر از جنبه‌های متعدد حائز اهمیت و ارزش بالایی هستند؛ علاوه بر اینکه این متن‌ها به شناخت ما از کلیت ساختار اداری تخت‌جمشید اعم از اداره‌های مختلف مرتبط با متن‌ها، فعالیت‌های اداری و کارمندان در محدوده‌ی جغرافیایی مشخص کمک زیادی می‌کنند. نظم موجود در ثبت و ضبط دقیق اسناد مربوط به سفر مسافران^{۱۶} مختلف از هر گروه و قشری و پرداخت‌های منظم به آن‌ها نشان‌دهنده‌ی سازماندهی یکپارچه‌ای است که به احتمال با ساخت و سازماندهی راه شاهی مرتبط بوده است.

۵. مسافران

ضرورت دارد قبل از اینکه به بحث درباره‌ی مشاغل مرتبط با سفر بپردازیم، بنابر تجزیه و تحلیل متن‌ها به شناختی از مسافران دست یابیم زیرا به‌نظر می‌رسد که عناوین شغلی مورد بحث این پژوهش با گروه‌های خاصی از مسافران مرتبط هستند. اینکه در واقع مسافران ذکر شده در متن‌های سفر بایگانی باروی چه کسانی هستند؟ مطالعه متن‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مسافران تنها یک‌بار از محدوده‌ی زیر کنترل بایگانی عبور کرده‌اند و افرادی که پیایی نامشان به‌عنوان دریافت‌کننده‌ی کالا در بخش عمده‌ای از متن‌ها آمده، در واقع راهنمایان سفر، مسئولین کاروان، سرکارگراها و کارمندان مختلف هستند. با توجه به تجزیه و تحلیل متن‌ها دریافت‌کنندگان کالا یا مسئولان سفر را می‌توان بر مبنای آنچه متن‌ها به ما نشان می‌دهند، به پنج گروه تقسیم کرد:

نخست، مسافران خارجی^{۱۷}: این مسافران از ساتراپی‌های دیگر هخامنشی بنا بر دلایل مختلف و با به‌همراه داشتن سند مهرشده از ساتراپ آن منطقه به محدوده‌ی در کنترل بایگانی باروی برای انجام کار خاصی وارد شده یا اینکه عبور می‌کنند.

دوم، راهنمایان سفر و مسئولان کاروان، اشخاصی هستند که شغل آن‌ها همراهی کردن مسافران مختلف در طول مسیر سفر در محدوده‌ی بایگانی یا بخشی از آن بوده است. این اشخاص مسافران مختلفی از جمله

گروه‌های کار و مسافران خارجی را همراهی می‌کنند. و در واقع به صورت مستقیم مرتبط با مسافران اشاره شده در گروه اول هستند. به عنوان مثال در PF 1317 و PF 1318، ایشبره میشتیمه (Išbaramištima) راهنمای سفر است که ایتیمه (Abbatama) هندی را در مسیر سفرش در ماه اول سال ۲۳ از شوش به هند و در ماه دوم سال ۲۳ سلطنت داریوش از هند به شوش همراهی می‌کند. او حتی از مهر خود (PFS 49) برای دریافت جیره برای ایتیمه استفاده کرده که در PF 1318 به این مسئله اشاره شده است.

سوم، گروه‌های کار از پر رفت‌وآمدترین مسافران در مسیر هستند. گروه‌هایی با شمار مختلف کارگران و تخصص‌های مختلف که از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر می‌روند و در مسیر سفر خود جیره دریافت می‌کنند. البته بخش عمده‌ای از این گروه‌های کار بنابر آنچه برخی از متن‌ها نشان می‌دهند، گروه‌های خارجی مثلاً از کاپادوکیه (PF 1016, NN 2470) یا اسکودریه (PF 1813, NN 750, NN 1980) یا مناطق دیگر هستند.^{۱۸} چهارم، پیک‌های تندرو (Pirradaziš) یا همان چاپارهای معروف از مهم‌ترین مسافرانی هستند که به طور معمول مبدا یا مقصد سفر آن‌ها شاه است و معمولاً سند مهرشده‌ای از سوی شاه به همراه دارند. این افراد معمولاً به تنهایی سفر می‌کنند و در مواردی نیز حداکثر تا چهار نفر ذکر شده‌اند؛ مانند: PF 1321, PF 1559 پنجم، کارمندان اداری، حسابداران، جمع‌آوری‌کنندگان مالیات و خزانه‌دارها گروه دیگری از مسافران را تشکیل می‌دهند که برای انجام مأموریت‌های اداری به بخش‌های مختلف سفر می‌کنند و در مسیر خود جیره‌های غذایی را برای مصرف روزانه دریافت می‌کنند.

۶. عناوین شغلی مرتبط با خدمات سفر

در متن‌ها به عناوین شغلی متعددی اشاره شده که در این میان چند عنوان به صورت مستقیم و برخی غیرمستقیم مربوط به سازماندهی امور سفر و یا کنترل و حفاظت راه‌ها هستند. پژوهشگران به صورت اخص توجه خود را به ریشه‌شناسی این اصطلاحات معطوف کرده در حالی که درباره‌ی نوع فعالیت و تخصص این مشاغل مطالعه‌ای صورت نگرفته است. البته گراف (Graf 1994) در بحث خود مربوط به راه شاهی مختصری به این عناوین شغلی پرداخته، ولی در بیشتر موارد از آن‌ها تفسیری آزادانه ارائه کرده است. اشکال اصلی وارد بر گراف آن است که هیچ‌گونه تحلیل و تطبیقی بر روی متن‌ها انجام نداده و عناوین شغلی را به نوعی به دلخواه تفسیر کرده است، در حالی که بدون تحلیل متن‌ها و تنها بر پایه‌ی خوانش پیشنهادی هلوک از معنای احتمالی آن عنوان شغلی، تحلیل خود را ارائه کرده بود. در این نوشتار نگارنده بنا دارد تا عناوین شغلی را که با خدمات سفر مرتبط هستند، با تحلیل دقیق همه‌ی متن‌های تاکنون خوانده‌شده‌ی بایگانی باروی بررسی کند.

۱،۶. کورمن / کورمین: واژه‌ی kurman / kurmin قبل از نام شخص آمده و به صورت «کورمن / کورمین + نام شخصی + پسوند ملکی na» (kurmin PN- na) نوشته می‌شود. هلوک کورمین را به معنای «برعهده گذاشتن / واگذار کردن» (entrusting of) و «فراهم‌شده توسط» (Supplied by) ترجمه می‌کند. (Hallock 1950: 245). هنکلمن اشاره می‌کند که در واقع کورمین / کورمن یک عنوان شغلی یا سمت مشخص نیست بلکه برگرفته از فعل kurma- به معنای «تهیه کردن» و «فراهم کردن» است؛ (Henkelman forthcoming: 73) (Garrison & Henkelman forthcoming: 15- 16). افرادی که در تقریباً ۸۰ درصد متن‌های بایگانی باروی

به‌عنوان کورمن به آن‌ها اشاره می‌شود، درواقع کارمندان مسئول فراهم‌کردن و تحویل کالاها برای پرداخت‌های مختلف اعم حقوق کارکنان و کارگران، مراسم مذهبی، جیره‌های سفر به مسافران و غیره بوده‌اند. بنابراین، حیطة فعالیت این کارمندان تنها محدود به متن‌های سفر نمی‌شود و این افراد در بخش‌های گوناگون دستگاه اداری تخت‌جمشید وظایفی را برعهده دارند. کورمن برای طیف وسیعی از کارمندان، از یک کارمند ساده در یک شعبه‌ی اداری کوچک محلی وابسته به دستگاه اداری مرکزی یا اداره‌های مهم منطقه‌ای تا کارمندان بلندپایه در تخت‌جمشید استفاده شده که این افراد هرم سلسله‌مراتب اداری بایگانی باروی را شکل می‌دهند و بر حسب جایگاهشان مسئولیت‌های مختلفی دارند.^{۱۹} بنابراین، برخی از کارمندی که در ایستگاه‌های مهم به‌عنوان فراهم‌کننده‌ی کالا برای مسافران ذکر شده‌اند، هم‌زمان مسئولیت‌های دیگری نیز برعهده دارند. به‌طور مثال فراهم‌کنندگان شاغل در ایستگاه‌های هیدلی (Hidali) و هونر (Hunar) علاوه بر تهیه‌ی جیره برای مسافران وظایفی مانند انبارداری و یا پرداخت حقوق کارگران را نیز برعهده دارند؛ مانند کرئوده (Karayauda). محل خدمت این کارمندان معمولاً ثابت و مشخص است و در موارد اندکی عمدتاً به دلیل ارتقای شغلی محل خدمت یک کارمند فراهم‌کننده‌ی کالا تغییر کرده است.

در ۷۱۹ متن سفری که تاکنون خوانده شده نام ۸۶ فراهم‌کننده وجود دارد. البته در ۳۳۰ گل‌نیشته نام فراهم‌کننده‌ی جیره برای مسافران، ذکر نشده است. درواقع در حدود ۴۵ درصد از متن‌های سفر نام کارمند فراهم‌کننده‌ی کالا را ندارند اما این اشخاص به‌طور مستقیم با مهر یا مهرهای مشخصی مرتبط هستند. از سوی دیگر بررسی مهرهای کورمین‌ها در متن‌های سفر و مقایسه‌ی آن با کمیت نام آن‌ها، نشان می‌دهد که نام فراهم‌کننده و مهر وی که در سمت چپ گل‌نوشته به‌کار برده می‌شد، به‌نوعی متمم یکدیگر بودند و کاربرد هردو هم‌زمان ضرورتی نداشته است. به‌گونه‌ای که در آن دسته از متن‌هایی که نام فراهم‌کننده ذکر نشده حتماً مهر وی استفاده شده است. درواقع احتمالاً کاربرد مهرها اهمیت بیشتری نسبت به نام فراهم‌کننده داشته است زیرا برخی از مهرها متعلق به یک اداره هستند نه شخص فراهم‌کننده‌ی کالا و چندین کورمن هم‌زمان می‌توانستند به آن مهر دسترسی و از آن استفاده کنند یا در دوره‌های مشخصی این مهر در اختیار یک کورمن بوده و سپس کاربرد آن به شخص دیگری تفویض می‌شده است.^{۲۰}

۲،۶. بریشدمه (barrišdama): این عنوان شغلی فقط در متن‌های سفر وجود دارد. هلوک اشاره می‌کند که بریشدمه بنا بر نظر گرشویچ از فارسی باستان -barištama گرفته شده که به‌لحاظ لغوی به‌معنای «محافظت‌کننده‌ی بسیار خوب است»^{۲۱} (Hallock 1969: 42, 675). هلوک شغل بریشدمه را «راهنمای سفر» می‌داند. هینتس و کخ نیز خوانش هلوک و به تبع آن نظر گرشویچ مبنی بر وام‌گیری آن از فارسی باستان را پذیرفته‌اند (Hinz & Koch 1987: 155-156). تاورنیه، بریشدمه را صورت عیلامی از واژه‌ی فارسی باستان -parištāva می‌داند. البته او خوانش گرشویچ به‌صورت -barištama را نیز صحیح می‌داند. او نیز بریشدمه را به نوعی شغل در خدمت مسافران دانسته و آن را به‌مانند هلوک راهنما یا همراه مسافران معرفی می‌کند (Tavernier 2007: 265, 404, 428).

بریشدمه، در ۳۰ متن سفر به‌طورمستقیم پس از نام شخص با فرمول hiša barrišdama ذکر شده است. در چند متن مانند PF 1317 و یا NN 3000 نیز که این عنوان شغلی مستقیم ذکر نشده، با توجه به نام شخصی و مهر روی آن می‌توان گفت که شخص ذکر شده راهنمای سفر است. هلوک معتقد است که این افراد

همانگونه که از عنوان شغلی شان مشخص است راهنمایان خبره و احتمالاً آموزش دیده‌ای بودند که عمدتاً مسافران خارجی را در طول سفرشان همراهی می کردند (Hallock 1969: 42). به عنوان مثال در چندین متن PF 1363- 65 راهنمای سفر هندی‌ها، در PF 1577 کاپادوکیه‌ای‌ها، در PF 1409 ساردی‌ها و دیگر مسافران هستند.

با اینکه متن‌ها برای بازسازی جزئیات دقیق شغل راهنمایان سفر کافی نیست، اما همین تعداد متن‌ها نیز می‌توانند تاحدودی دورنمایی از این شغل را به ما نشان دهند. وقتی به تحلیل متن‌ها می‌پردازیم، متوجه می‌شویم که این راهنمایان تنها مسافران خارجی عالی‌رتبه را همراهی نمی‌کنند بلکه راهنمایی مسافران دیگری اعم از گروه‌های کاری و حتی حیوانات را نیز برعهده دارند؛ به عنوان مثال علاوه بر متن‌هایی که در بالا اشاره شد که مربوط به مسافران خارجی هستند، در PF 1363 ، PF 1364 و Pfa18 گروه‌های کاری ۱۵۰ نفره اسکودریایی (Skudrian) را شخصی با نام اوبتیه (Ubateya/ Ukbateya) به همراه دو همکار دیگرش به تموکن (Tammukan / Tamukkan) می‌برند و برای آن‌ها جیره‌های آرد و شراب دریافت و بین آن‌ها تقسیم می‌کنند. در PF 1338 کسنه (Kassan) در سال ۲۲ به عنوان راهنمای سفر با دستور بکبَنَه (Bakabana) ساتراپ شوش ۱۳ دام را به نزد پرنکه (Parnaka/ Farnaka) -رئیس سیستم اداری بایگانی باروی- احتمالاً از شوش به تخت جمشید می‌برد. در برخی از متن‌ها نیز راهنمایان هم گروه‌های کاری و هم حیوانات را باهم همراهی می‌کنند. به عنوان مثال در PF 2056 راهنمای سفری به نام بَدوَرَدَ (Baddurada) در حدود ۱۱۳٫۶ بار غله را برای جیره ۵۸۸ مرد، ۱۸ اسب و ۱۰۰ قاطر دریافت و میان آن‌ها تقسیم می‌کند.

از مهم‌ترین نمونه‌های این متن‌ها، متن PF 1444 که مربوط به ماه دهم سال ۲۸ سلطنت داریوش (۴۹۳ ق.م) و آخرین سال بایگانی باروی است، آمده که شخصی با نام اومیشدومه (Umišduma) و چهار همراهش که همه‌ی آن‌ها راهنمایان سفر شاه هستند با هلمی از سوی اشپَزَنَه (Ašbazana) از تخت جمشید به نزد شاه که به احتمال در آن زمان در مکان دیگری بوده است، می‌روند. سفر پنج راهنمای سفر با یکدیگر به نزد شاه و اشاره به آن‌ها به عنوان راهنمای سفر شاه که پیش از این در هیچ‌یک از متن‌ها ذکر نشده، بسیار قابل تأمل است؛ آیا این راهنماها قرار بوده شاه را برای سفر به یکی از بخش‌های امپراتوری همراهی کنند؟ پاسخ به این پرسش بسیار مشکل است زیرا نام اومیشدومه تنها در همین متن ذکر شده و نامی از راهنمایان دیگر نیز نیامده است.

با توجه به تحلیل‌های بالا، برای برپیشدَمَه می‌توان تقسیم‌بندی تخصصی مشخصی عنوان کرد؛ مانند: راهنمای سفر مسافران از ساتراپی‌های دیگر، راهنمای سفر گروه‌های کاری، راهنمای نقل و انتقال حیوانات و مهم‌تر از همه راهنمای سفرهای شاه. این عناوینی که به آن‌ها اشاره شد همگی در کاربرد واژه‌ی راهنما یا همان برپیشدَمَه مشترک هستند و اگر وجود چنین تقسیم‌بندی یا صورتی کلی‌تری از آن را بپذیریم، سپس این بحث مطرح می‌شود که آیا آن‌ها سلسله‌مراتب شغلی متفاوتی داشتند؟ برای درک بهتر این بحث است که با جزئیات بیشتری به تجزیه و تحلیل متن‌ها بپردازیم، البته باید ذکر کنم که بسیاری از راهنمایان سفر نامشان تنها یکبار در متن‌ها ذکر شده و به ندرت بیش از دو یا چندبار نامشان تکرار شده است. تنها راهنمای سفری که نامش چندین بار بر روی متن‌های مختلف آمده ایشبرمیشتیمه است که البته در مواردی نیز که نامش در متن ذکر نشده است. مسافران از مهر وی برای دریافت جیره استفاده کرده‌اند که

نشان می‌دهد راهنمای سفر ایشبرمیشتمیه بوده است. او از سال ۱۹ تا ۲۸ در همین شغل راهنمای سفر فعالیت می‌کند و همواره در همه‌ی دوازده متنی^{۲۲} که نامش آمده، با مسافران هندی مرتبط است. در همه‌ی گل‌نشته‌ها نیز وی برای دریافت جیره از مهر شخصی خودش (PFS 49) استفاده کرده است. حتی در PF 1318 یا NN 3000 نیز که شخص دیگری، به احتمال بسیار نماینده‌ی مسافران هندی، اَبْتَمَه جیره را دریافت کرده است، باز هم با مهر ایشبرمیشتمیه گل‌نشته را مهر کرده‌اند. در واقع متن‌های مربوط به ایشبرمیشتمیه نشان می‌دهند که باید وجود تخصصی بودن شغل راهنمای سفر برای مسافران خارجی را بسیار محتمل دانست.

در دو متن PF 1540 و PF 2051 نیز راهنمایان سفر جیره‌هایی را برای مسافران ارمنی دریافت می‌کنند. در متن‌های PF 1404 و PF 1409 نیز راهنماهای سفر برای مسافران ساردی جیره دریافت کرده‌اند. در متن PF 1440 یک راهنمای سفر با نام زیشندوش (Zišanduš) در سال ۲۲ بدون ذکر ماه یک زن تنها را در سفرش از شوش به قندهار همراهی می‌کند. در PF 1550 مربوط به ماه دوم همان سال نیز نام این شخص دوباره به عنوان راهنمای یک زن در مسیری مشابه ذکر می‌شود. به احتمال هر دو متن بالا متعلق به یک سفر هستند که جیره‌ها در دو ایستگاه مختلف دریافت شده است. آن‌ها در هر ایستگاه هَلَمی مسافر را نشان داده و جیره روزانه دریافت کرده‌اند.^{۲۳} البته همان‌گونه که در بالا اشاره شد، به این دلیل که نام بیشتر راهنمایان سفر تنها یکبار ذکر شده نمی‌توان نظری کاملاً قطعی داد، اما چند نکته قابل تأمل است: نخست، در همه‌ی متن‌های مرتبط با مسافران خارجی نام هیچ راهنمای سفری در ارتباط با دو بخش یا ناحیه‌ی جغرافیایی متفاوت ذکر نشده است. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که احتمالاً این راهنمایان مسافران را فقط در یک منطقه‌ی جغرافیایی خاص همراهی می‌کردند، مانند ایشبرمیشتمیه که همواره همراه مسافران هندی بود یا زیشندوش به همراه مسافرانی از قندهار. همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد این امر گواه بر تخصصی بودن شغل راهنمایان مرتبط با مسافران خارجی است که لازمه‌ی آن حتماً تسلط بر زبان آن‌ها بوده است و از سوی دیگر با توجه به اینکه اشاره به همراهی آن‌ها با مسافران در طول سفر داشته، پس آن‌ها محتملاً باید آن منطقه‌ی جغرافیایی را نیز می‌شناختند. به استثنای PF 1440 در هیچ متنی به جیره‌ی غذایی راهنمای سفر و احتمالاً دستیارانش (در ادامه خواهیم پرداخت) اشاره نشده است. نکته سوم اینکه در همه‌ی این گل‌نشته‌ها برای دریافت جیره نه از مهر مسافر یا نماینده‌ی آن‌ها بلکه از مهر شخصی راهنمای سفر استفاده شده است و اینکه در این متن‌ها بیشینه‌ی مسافران از حدود ۳۵ نفر (PF 1409) فراتر نمی‌رود، البته در بیشتر موارد بین یک تا پنج نفر هستند.

با توجه به مدارک فعلی شاید بتوان گفت که راهنمایان سفر مرتبط با مسافران خارجی به احتمال قوی هر یک مسئول همراهی مسافران یک ناحیه بوده‌اند. شاید این افراد با توجه به گستردگی راه‌ها باید یک مسیر را به خوبی می‌شناختند، و با وجود تنوع زبانی در قلمرو امپراتوری، زبان ناحیه‌ی موردنظر را می‌آموختند. اینکه در همه‌ی متن‌ها مهر راهنمایان استفاده شده نه مسافران شاید به این دلیل باشد که مهر مسافران در سیستم اداری بایگانی باروی ثبت نشده بود و آن‌ها برای دریافت جیره نیاز به مهر معتبر داشته‌اند، پس این از وظایف راهنمای سفر بود که در خدمت مسافران بوده و نیاز آن‌ها را برطرف سازد. اشاره کردیم که در جیره‌ی تعلق گرفته به مسافران به استثنای یک مورد، مقدار جیره برای راهنمای سفر وجود ندارد که این مسئله به نظر

کاملاً نظام‌مند بوده، زیرا مسافران با ارائه یک سند مهر شده (هلمی) که از ساتراپ یا یک مقام بلندپایه داشتند جیره‌ی خود را بنابر آنچه که در آن سند نوشته شده بود، دریافت می‌کردند و منطقی به‌نظر می‌رسد که جیره‌ای برای راهنمای سفر در متن‌ها از مبدا ذکر نشده باشد زیرا راهنمایان سفر کارمندان دولتی بودند پس مطمئناً جیره‌ی مختص خود را جداگانه در هر ایستگاه دریافت می‌کردند. وجود یک متن استثنا که می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد نمی‌تواند نقضی بر کلیت مدارک باشد. البته باید اشاره کرد که بیشتر مسافرانی که از راه دور می‌آمدند، مثلاً از سارد به شوش، باید جیره‌های خود را از ایستگاه‌های متعددی که در طول مسیر وجود داشت، دریافت می‌کردند که بسیاری از آن‌ها در محدوده‌ی بایگانی باروی نبودند و به احتمال زیاد در آن بخش‌ها راهنمایان محلی دیگری حضور داشتند.

مسئله‌ی قابل‌تأمل آن است که نام هیچ‌کدام از راهنمایان سفری که مسئول همراهی مسافران خارجی کم‌تعداد بودند، در ارتباط با گروه‌های کاری -چه ملیت آن‌ها ذکر شده باشد یا نشده باشد- یا جابه‌جایی حیوانات ذکر نشده است. بنابراین، در اینجا این پرسش پیش می‌آید که آیا می‌توانیم راهنمایان سفر را به دو گروه تقسیم کنیم؟ گروه نخست، آن دسته از راهنمایانی که وظیفه‌ی آن‌ها همراهی افراد بلندپایه‌ای است که با اهداف خاصی به مرکز امپراتوری سفر می‌کنند؛ همان گروهی که هلوک آن‌ها را راهنمایان برجسته (elite guide) می‌نامد (Hallock 1969: 42) و گروه دوم راهنمایان سفری که مسئول جابه‌جایی گروه‌های کار و حیوانات در محدوده‌ی جغرافیایی در کنترل بایگانی باروی بودند. این گروه نیز گروه‌های کاری خارجی را همراهی می‌کردند مانند: اسکودریه‌ای‌ها. متن‌ها نشان می‌دهند این راهنمایان سفر هیچ‌گاه به نواحی دیگر خارج از جغرافیای اداری بایگانی نرفته‌اند، با توجه به جابه‌جایی گروه‌های بزرگ کارگران، صنعتگران و حیوانات این افراد دستیارانی داشته‌اند (PF 2056) که در متن‌ها ذکر شده است. در چند متن به پسران جوان خدمتکار راهنما سفر (PF 1440) نیز اشاره کرده‌اند.

نکته‌ی مهم این است که در همه‌ی متن‌ها راهنمایان گروه دوم جیره‌ی جداگانه‌ی مشخص و همراه با جیره‌های متعلق به گروه‌های کار و یا حیوانات دریافت کرده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد از همان مبدا سفر در سند مهرشده‌ی ارائه شده (هلمی) به مسئول سفر، راهنما سفر مشخص می‌شد و تا مقصد مسافران را همراهی می‌کرد. در صورتی که احتمالاً راهنما سفر همراه با مسافران خارجی از مبدا سفر مشخص نبوده و در کل طول سفر نیز به جز در موارد خاص همراه مسافر نبوده‌اند.

اما مورد PF 1444 که در آن اومیشدومه (Umišduma) و چهار همراهش را راهنمایان سفر شاه معرفی کرده‌اند، که از تخت‌جمشید به نزد شاه که در مکان دیگری است می‌روند، این پرسش را پیش می‌آورد که آیا گروه سومی از راهنمایان سفر که مختص سفرهای شاه بوده‌اند، وجود داشته است؟ اگر چنین باشد پس باید این افراد مقام بالایی داشته باشند. البته با وجود تنها یک متن نمی‌توان به‌درستی در این خصوص نظر داد.

۳،۶. کَرَبَتیش (Karabattiš).^{۲۴} این عنوان شغلی نیز تنها در متن‌های سفر وجود دارد. گرشویچ (Gershtvich 1951- 52: 144) کَرَبَتیش آن را به عنوان مسئول کاروان ترجمه کرده است. هلوک نظر وی را پذیرفته هرچند معتقد است که در این خوانش دلایلی برای شک وجود دارد ولی به نظرش در متن‌های باروی، کَرَبَتیش همان مسئول کاروان است (Hallock 1969: 40, 710). هینتس و کخ نیز همین نظر را دارند (Hinz & Koch 1987, 438). تاورنیه نیز کَرَبَتیش را صورت عیلامی واژه‌ی فارسی باستان karapatiš می‌داند

که به معنای راهنماست و با تفسیر هلوک درباره‌ی اینکه در متن‌های باروی به معنای راهنمای سفر کاروان بوده، موافق است. (Tavernier 2007: 426).

اما نکته‌ی قابل توجه این است که در همه‌ی متن‌هایی که این عنوان شغلی در آن‌ها ذکر شده، خبری از کاروان‌های بزرگ نیست. در همه‌ی آن‌ها کَرَبَتیش با همراهی دو یا چند خدمتکار جیره سفر دریافت کرده‌اند. از سوی گرشویچ، اصطلاح کَرَبَتیش را با karapet ارمنی به معنای «پیش قراول» مقایسه می‌کند و هلوک با توجه به این مقایسه می‌گوید که احتمال دارد کَرَبَتیش مسئولی بوده که حداقل یک‌روز زودتر از کاروان اصلی حرکت می‌کرده و هماهنگی‌های لازم برای فراهم کردن غذای کاروان‌ها را به عمل می‌آورده است (Hallock 1969: 42). نظر هلوک تا حدودی درست به نظر می‌رسد زیرا در متن‌ها خبری از کاروان همراه نیست و کَرَبَتیش‌ها حداکثر در گروه‌های ۴ یا ۵ نفری در متن‌ها ذکر شده‌اند. منتها به دلیل اینکه این عنوان شغلی تنها در ۷ متن ذکر شده و در هیچ‌یک از آن‌ها شخص دارای این شغل نامش بیش از یکبار نیامده، بنابراین باید از هرگونه تفسیر عجولانه‌ای امتناع کرد.

۴،۶. شُلوم (Šāulum): این اصطلاح فقط در چهار متن سفر PF 1431, PF 1463, PF 1505, PF 1515 ذکر شده است. هلوک اشاره می‌کند که این واژه به احتمال زیاد ریشه‌ی ایرانی دارد که البته نامشخص است. به نظر هینتس و کخ این واژه به احتمال ریشه‌ای عیلامی دارد (Hinze & Koch 1987: 1143). به نظر هلوک این شغلی مرتبط با خدمات سفر بوده و آن را به معنای دستیار سفر ترجمه می‌کند (Hallock 1969: 44) البته هینتس با توجه به مقدار کم جیره‌ی دریافتی توسط این افراد و اینکه همراه با گروه‌های کاری ذکر شده‌اند احتمال می‌دهد که آن‌ها نیروی کشاورز بوده‌اند (Hinze 1973: 173) البته هیچ توضیح مشخصی برای اینکه چرا نیروی کشاورز هستند، جز مقدار جیره کم، نداده است. البته این افراد در همه‌ی متن‌های ذکر شده جیره‌ای جداگانه از بقیه‌ی مسافران دریافت کرده و نکته‌ی مهم این است که جیره دریافتی آن‌ها به اندازه یک خدمتکار و معادل ۱ قَه است. هلوک با توجه به مقدار کم جیره‌ی دریافتی معتقد است که آن‌ها در زیرمجموعه‌ای از مشاغل رده‌پایین مرتبط با امور سفر فعالیت می‌کرده‌اند (Ibid, 44). در تفسیری عجولانه گراف می‌گوید که شُلوم‌ها به مسافران خارجی برای سفر به مرکز امپراتوری کمک می‌کرده‌اند (Graf 1994, 174) اما در متن‌های بایگانی این افراد با گروه‌های کاری همراه بوده و مرتبط هستند نه به عنوان افرادی که بر طبق نظر گراف به عنوان همراه مسافران خارجی را همراهی می‌کنند. جیره‌ی کمی که می‌گیرند، نشان می‌دهد که مقام آن‌ها در حدّ یک خدمتکار (lipap) است. حال پرسش اصلی این است آیا شُلوم را می‌توان دستیار سفر دانست؟ آیا دستیار سفر، شغلی در حدّ یک خدمتکار ساده بوده و به آن‌ها حقوقی معادل یک خدمتکار تعلق می‌گرفت؟ در خوش‌بینانه‌ترین حالت پاسخ به این پرسش را باید به خواندن متن‌های جدید منوط دانست.

۵،۶. دَتیمَرَه Dattimara: این عنوان شغلی تاکنون در حدود ۳۰ متن آمده است.^{۲۵} هلوک آن را «محاسبه‌کننده‌ی راه» (road counter) ترجمه می‌کند (Hallock 1969: 39, 681). هینتس و کخ نیز نظر هلوک دارند البته آن‌ها این شغل را به نوعی با «افسر پلیس» یا همان مأمور امنیتی نیز مترادف می‌دانند، هرچند توضیح بیشتری در این باره نمی‌دهند (Hinze & Koch 1987: 257, 299, 302). مایرهفر این واژه را وام‌واژه‌ای از فارسی باستان dāimāra- یا dāi(h)- māra- به معنای محاسبه‌کننده‌ی راه معرفی می‌کند

(Mayrhofer 1979: 183). تاورنیه نیز نظر مایرهفر را تأیید کرده و آن را مانند هلوک محاسبه‌کننده‌ی راه یا مأمور رسیدگی به امور راه‌ها می‌داند (Tavernier 2007: 419). در Pfa 22، Pfa 23، NN 1219 و NN 2041 این عبارت آمده است: «آن‌ها راه‌ها را محاسبه کرده‌اند»^{۲۶}. ترجمه‌ی هلوک نشان می‌دهد که او این اصطلاح ذکر شده را به‌عنوان بررسی‌کننده‌ی راه نیز در نظر می‌گرفته است (Hallock 1978: 122-23). هنکلن معتقد است که این افراد وظیفه‌ی بررسی وضعیت راه‌ها، برطرف کردن مشکلات موجود در مسیرها، و مشخص کردن فواصل را برعهده داشته‌اند. آن‌ها به‌احتمال، با قرار دادن سنگ‌های نشانه یا همان فرسخ‌شمار فواصل را برای مسافران مشخص می‌کردند (Henkelman forthcoming: 31-32). نمونه‌ای از این فرسخ‌شمارها از پاسارگاد به‌دست آمده است (Callieri 1995). حتی شاید وظایف دیگری را نیز برعهده داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال، در NN 2041 گمیزه (Kamezza) و همراهانش سربازان را ثبت کرده‌اند یا در NN 516 همین گروه به‌عنوان حسابداران معرفی شده‌اند (Henkelman 2002: 22-24).

متن‌ها نشان می‌دهند که محاسبه‌کنندگان راه‌ها در گروه‌های ۴ تا ۶ نفری به‌همراه ۱۰ تا ۱۲ خدمتکار سفر می‌کنند و به‌طور معمول سند مهرشده و اجازه‌نامه ازسوی شاه دارند. در بیشتر متن‌ها نیز دتیمره همراه با عنوان شغلی نیزه‌دار (در ادامه بحث شده) آمده است. به‌عنوان مثال در Pfa 15 رشتوکه (Raštuka) و شش همراهش هم نیزه‌دار و هم محاسبه‌کننده‌ی راه معرفی می‌شوند. در Pfa 19، Pfa 22 و Pfa 23 به شخصی به نام ایردبده (Irdabada) و پنج همراهش به‌عنوان نیزه‌دار و محاسبه‌کننده‌ی راه اشاره شده است. هنکلن اشاره می‌کند که این اشخاص به‌همراه نیزه‌دارها با بررسی راه‌ها، وضعیت آن‌ها را ثبت می‌کنند (Henkelman 2002: 25-28).

یکی از فعال‌ترین گروه‌های محاسبه‌کننده‌ی راه، گروهی به سرپرستی آمبدوش (Ambaduš) و پنج همراهش است. در خطوط ۱۰ - ۸ متن Pfa 30 که حسابرسی سالانه‌ی مربوط به نقل و انتقالات در ناحیه‌ی تخت‌جمشید می‌باشد، اشاره می‌شود که آمبدوش و پنج همراهش که راه‌های رمیتپه (Ramitepe) را محاسبه کرده‌اند، جیره‌ی آرد دریافت کرده‌اند. اما اهمیت کار این گروه زمانی مشخص می‌شود که در ادامه‌ی همین متن گفته شده که آن‌ها این کار را به دستور شاه انجام می‌دهند و حال بنا بر دستور شاه باید در هدرن (Hadaran) - به‌احتمال محلی در شرق تخت‌جمشید - منتظر رسیدن شاه بمانند. آمبدوش و همکارانش در هدرن برای شش‌روز جیره دریافت کرده و منتظر شاه مانده‌اند.

در Pfa 21 دوباره آمبدوش و همراهانش در سال ۲۱ به‌عنوان محاسبه‌کنندگان راه‌ها جیره‌ی مشابه Pfa 30 دریافت می‌کنند و در PF 1566 در تاریخ نامشخص جیره‌ی شراب دریافت می‌کنند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که آمبدوش و گروهش بنا بر دستور شاه به‌صورت مکرر با همراه داشتن سند مهرشده ازسوی او در مسیرها و جاده‌های مختلف برای کنترل راه‌ها سفر می‌کرده‌اند.

درواقع دتیمره چه به‌عنوان محاسبه‌کننده‌ی راه و چه بررسی‌کننده‌ی راه باشد، در هر حال متن‌ها نشان می‌دهند که شغل مهم و بااهمیتی داشته‌اند که در بیشتر موارد شخص شاه بر آن نظارت داشته است. هلوک به درستی این شغل را تفسیر می‌کند که وظیفه آن‌ها مرتبط با بازسازی و گسترش ساخت راه‌ها بوده که البته این فعالیت‌ها در گروه بررسی راه‌ها و شناخت مسیرهای مناسب بوده است (Hallock 1978: 114). با توجه به ازدحام رفت‌وآمد در راه‌ها که بخش اندکی از آن‌ها را متن‌های سفر نشان می‌دهند، مطمئناً چنین شغلی ضروری بوده است.

۶،۶. شیگک کوتیر ŠI.KAK . Ig kutira: اصطلاح شغلی است که هلوک آن را به‌عنوان نیزه‌دار ترجمه می‌کند، البته در اینجا منظور از نیزه ابزار نظامی نیست بلکه به‌احتمال وسیله‌ی اندازه‌گیری یا ابزار نشانه‌گذاری و مساحی راه است (Hallock 1978: 114, 121- 124). در بیشتر متن‌ها مانند: Pfa 23 و Pfa 22 به‌صورت لوگوگرام شیگک ŠI.KAK همراه با کوتیر به‌معنای حمل‌کننده، به‌کار برده شده است. در Pfa 19 از عبارت شوکوروم (šukurum) که وام‌واژه‌ای از واژه‌ی اکدی شوکوروم (šukurrum) به‌معنای نیزه است، استفاده شده است.

همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، در بیشتر متن‌ها نیزه‌دار همراه با محاسبه‌کننده‌ی راه آمده است، به همین دلیل هلوک این دو شغل را در ارتباط مستقیم با یکدیگر می‌داند (Ibid: 114). در Pfa 19 ایردبده و همراهانش به‌عنوان نیزه‌دار معرفی شده‌اند، همین گروه در Pfa 23, Pfa 22 مربوط به سال ۲۲ نیز با سند مهر شده از طرف شاه جیره‌ی سفر دریافت کرده‌اند و در هر دو متن، اشاره شده که آن‌ها راه‌ها را بررسی کرده‌اند و می‌روند تا به شاه برسند. باوجود اینکه در مواردی کوتاه و گزارشی‌بودن متن‌ها، تحلیل آن‌ها را مشکل می‌سازد، در این مورد به‌نظر می‌رسد، متن به این مسئله اشاره دارد که ایردبده و همراهانش وظیفه‌ی خود را انجام داده و اکنون درحال رفتن به نزد شاه برای دریافت دستوره‌های جدید هستند.

۶،۷. دئوبتیش (Da'ubattiš): این عنوان شغلی برخلاف دیگر شغل‌های اشاره شده در بالا در متن‌های گروه‌های دیگری غیر از متن‌های سفر نیز آمده و تنها در دو متن سفر وجود دارد. هلوک بنا بر نظر گرشویچ آن را صورت عیلامی‌شده‌ی فارسی باستان tāya- pātā و tāyu- pāti به‌معنای مأمور امنیت یا افسر پلیس (police officer) می‌داند (Gershevitch 1969: 169; Hallock 1969: 39, 681). به‌نظر گرشویچ، دئوبتیش شخصی است که مراقب دزدان و راهزنان است (Gershevitch 1969: 169). مایرهفر این واژه را از ریشه‌ی فارسی باستان dahyupatiš/ dahyu- pati-š می‌داند (Mayerhofer 1971: 56) و هینتس و کخ نیز با استناد به نظر مایرهفر آن را پذیرفته و آن را به‌معنای ناظر، ضابط یا نگهبان سلطنتی ترجمه می‌کنند (Hinze & Koch 1987: 300). تاورنیه نیز با استناد به همین نظر آن را فرماندار یا ضابط (officer, governor) می‌خواند. البته منظور تاورنیه فرماندار یک منطقه نیست بلکه منظور، فرمانده یا افسر امنیتی است (Tavernier 2007: 418).

باتوجه به نظرات عنوان شده درباره‌ی معنای این واژه، درحال می‌توان دئوبتیش را به‌نوعی مأمور برقراری امنیت معرفی کرد. اما به دلیل کم‌بودن تعداد متن‌های سفر مرتبط با آن نمی‌توان درباره‌ی اینکه چقدر این شغل با امور مربوط به سفر مرتبط است، به‌درستی اظهارنظر کرد و باید جانب احتیاط را نگاه داشت. گرچه گراف با برداشتی آزادانه از خوانش هلوک، این شغل را پلیس راه (؟) معرفی می‌کند (Graf 1994, 174). البته، با توجه به حجم بالای رفت‌وآمدها حتماً باید امنیت کاملی در راه‌ها برقرار بوده باشد. اما با توجه به مدارک فعلی نمی‌توانیم دئوبتیش را پلیس راه معرفی کنیم، ولی احتمال زیادی وجود دارد که برقراری امنیت راه‌ها نیز برعهده آن‌ها بوده باشد. البته هنکلمن معتقد است نمی‌توان دئوبتیش را در متن‌های بایگانی باروی فقط مرتبط با برقراری امنیت در راه‌ها دانست، بلکه ممکن است در متن‌های سفر خودشان مسافرانی باشند که برای انجام مأموریت خاصی از یک منطقه به منطقه دیگر سفر می‌کنند و هیچ وظیفه‌ای مبنی بر برقراری امنیت در راه‌ها ندارند. البته او ارتباط این افراد با امور امنیتی راه‌ها را نیز رد نمی‌کند و اشاره می‌کند که باید بسیار محتاطانه این متن‌ها را تحلیل کرد و به جنبه‌ی دو سویه‌ی این مسئله توجه داشت (مکالمه

شخصی). در واقع، هنکلمن دتوبتیش را مأموری نظامی می‌داند که به طبع برقراری امنیت راه‌ها می‌تواند بخشی از وظایف وی باشد. با توجه به تعداد اندک متن‌های سفری که در آن‌ها به‌عنوان شغلی دتوبتیش اشاره شده با اطمینان نمی‌توانیم بگوییم که آیا این افراد هدفشان از سفر برقراری امنیت در مسیر بوده یا به‌عنوان مسافر برای مأموریتی دیگر در حال سفر بودند.

۶،۸. دتیبَرَه (Dattibara): این عنوان شغلی نیز در گروه‌های متفاوت متن‌ها (A-W) آمده است و مختص متن‌های سفر نیست. در مورد این عنوان شغلی، بین پژوهشگران عقیده‌ی مشترک وجود دارد که این واژه وام‌واژه‌ای از فارسی باستان *databara/ databara* به‌معنای مأمور قانون و قاضی است (Hallock 1969: 39; Tavernier 2007: 419; ibid 1978: 112; 681). اما هینتس و کخ برخلاف دیگر پژوهشگران معتقدند که وام‌واژه‌ای از واژه‌ی مادی *dātafarnah*- است (Hinze & Koch 1987: 298). گراف آن را مأمور قانونی (law officer) که وظیفه‌اش رسیدگی به وضع مسافران است، تعبیر می‌کند که البته برداشتی آزادانه است (Graf 1994, 174). در واقع نمی‌توان مانند دتوبتیش این عنوان شغلی را نیز به‌صورت مستقیم به خدمات سفر مرتبط دانست.

۷. نتیجه

شبکه‌ی گسترده‌ی راه‌های مواصلاتی نقش اساسی در ارتباطات و اداره‌ی قلمرو هخامنشی داشته است. چگونگی ساخت و نگهداری این راه‌ها و برقراری امنیت و کنترل آن‌ها همواره مورد توجه و بحث پژوهشگران مختلف بوده است. در پژوهش حاضر، تلاش شد به‌عنوان شغلی خاصی که مرتبط با خدمات سفر است، پرداخته شود، گرچه باید اذعان کرد که در بازسازی ساختار کلی امور سفر با همه‌ی مدارک موجود کنونی هنوز مسائل و پرسش‌های متعددی بدون پاسخ یا ناتمام هستند. خوشبختانه با اقبال قابل توجهی که پژوهش‌های هخامنشی در سه دهه‌ی اخیر یافته باید امیدوارانه چشم به نتایج مطالعات جدید داشت.

تجزیه و تحلیل کلیه‌ی عناوین شغلی نشان داد که هشت عنوان شغلی با امور مختلف مربوط به سفر ارتباط مستقیم دارند. از میان این هشت شغل پنج شغل راهنما سفر، مسئول کاروان، شلوم، محاسبه‌کننده‌ی راه و نیزه‌دار فقط مربوط به متن‌های سفر بوده که می‌توان با مدارک فعلی آن‌ها را شغل‌هایی دانست که با امور حمل‌ونقل مرتبط هستند. نکته‌ی قابل تأمل این است که به استثنای کورمین/ کورمن که اصطلاحی عیلامی است و با توجه به نوع وظایفش در بخش‌های مختلف اداره‌ی تخت جمشید فعالیت می‌کند، همه‌ی مشاغل دیگر مورد بحث وام‌واژه‌های ایرانی هستند. در متن‌های بایگانی، برخی از کاتبان در مواردی که واژه‌ای معادل در عیلامی یا حتی اکدی داشته از آن استفاده می‌کردند. اما درباره مشاغل سفر می‌بینیم که به استثنای نیزه‌دار که در چند متن معادل اکدی آن را به‌کار برده‌اند، همگی به همان صورت وام‌واژه‌هایی از فارسی باستان نقل شده‌اند. با مدارک فعلی می‌توان گفت در واقع، احتمالاً معادلی در عیلامی یا اکدی برای این مشاغل وجود نداشته و شاید در ساختار اداری آن‌ها چنین مشاغلی ضرورت نداشته و موجود نبوده است. بررسی متن‌های بایگانی‌های عیلامی، بابلی و آشوری نیز به‌نوعی این مسئله را تأیید می‌کند. هرچند در بایگانی‌های آشوری عناوین شغلی مرتبط با بحث راه‌ها وجود داشته است. در واقع، عیلامی‌ها و بابلی‌ها پیچیدگی راه‌ها و حجم بالای تردد مسافران مختلف را مانند هخامنشیان نداشتند که ضرورت سازماندهی آن

را داشته باشند. آشوری‌ها در نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول ق.م شبکه راه‌هایی را برای ارتباط با آسیای صغیر و سوریه و جزایر شین تأسیس کرده بودند که آن را راه شاهی می‌نامیدند و از آن برای اهداف نظامی خود استفاده می‌کردند. راه شاهی هخامنشی نه تنها با اهداف نظامی بلکه با هدف آسان‌تر کردن ارتباط بخش‌های مختلف قلمرو وسیع شاهان بزرگ ساخته و سازماندهی شده بود. بنابراین، شاید بتوان گفت مشاغلی مانند راهنمای مسافران ضرورت راه شاهی و قلمرو وسیع هخامنشیان بوده است.

باید اشاره کرد که در میان پژوهشگران بر سر خوانش یا تفسیر برخی از این عناوین شغلی اختلاف نظرهایی وجود دارد. برای مثال، کخ با ارائه تعبیر متفاوتی از هلوک عناوین شغلی دتیمره و شیکک کوتیر را به عنوان نیروی پلیس و مأموران گشت‌زنی جاده‌ها می‌داند (Koch 1986, 135) درحالی‌که هلوک آن‌ها را مرتبط با فعالیت‌های کنترل و مهندسی راه‌ها می‌داند. البته باید اذعان کرد نظر هلوک با توجه به عدم ارائه‌ی دیدگاه‌ها و تفسیرهای آزادانه شخصی و تمرکز بر متن‌ها معتبرتر است. اما چنین اختلاف نظرهایی مختص شغل‌های سفر نیست و برای نام‌های شخصی، نام‌جای‌های جغرافیایی و بسیاری دیگر از اصطلاحات موجود در بایگانی باروی وجود دارد. اما این مطالعات هنوز در آغاز راه هستند و برای پیشرفت روزافزون و دستاوردهای جدید در حال حاضر با مدارک فعلی بهتر است از هرگونه تفسیرهای آزادانه شخصی اجتناب شود و تنها با تحلیل مدارک موجود به آینده و خوانش متن‌های دیگر چشم دوخته شود. بحث‌های ارائه شده در پژوهش حاضر نیز بر پایه‌ی مدارک موجود فعلی است و داده‌های جدید می‌تواند نظریه‌های ارائه شده را تأیید یا رد کرده و تغییر دهد.

تشکر و قدردانی

۱. از راهنمایی‌های ارزشمند آقای دکتر شاهرخ رزمجو که مقاله را خواندند و آقای دکتر وتر هنکلمن که متن‌های منتشرنشده را در اختیار نگارنده گذاشتند، تشکر می‌شود. البته لازم به ذکر است که هر نوع نقصی برعهده نگارنده است.

پی‌نوشت

۱. برای جزئیات درباره‌ی راه شاهی، مسیر و توصیف‌های مرتبط با آن بنگرید به: Briant 2012, Graf 1994.
۲. برای مباحث مربوط به کاوش بایگانی باروی تخت جمشید بنگرید به: Garrison & Root 2001, 23- 32; Henkelman 2008: 69- 71; Herzfeld 1941: 271; Krefter 1971: 86- 88; Schmidt 1953: 3, 40- 41.
۳. برای بحث‌های مربوط به گل‌نیشته‌های عیلامی-هخامنشی، شکل و چگونگی تهیه‌ی آن‌ها بنگرید به: Garrison 1988: 181- 182; *idem* 1991; Garrison & Root 2001: 30- 31; Hallock 1977: 132; *idem* 1985: 589, 607; Henkelman 2008: 136, 140- 142; *idem* 2013: 531
۴. برای کاربرد آرامی در بایگانی باروی بنگرید به: Azzoni 2008; Dussinberre 2008; *idem* 2014, Tavernier 2008: 74
۵. برای مطالعه بیشتر درباره تجزیه و تحلیل ساختار کلی متن‌ها بنگرید به: Hallock 1985: 588- 609; Kuhrt 2007: 763- 814.
- ۶- هلوک به گل‌نیشته‌ها نشانه PF که مخفف Persepolis Fortification است، داد و مجموعه ۲۰۸۷ گل‌نیشته‌ای را که در ۱۹۶۹ منتشر کرد با این کد مشخص می‌شوند. هلوک در ۱۹۷۸ مجموعه‌ای از ۳۳ متن دیگر را در DAFI 8 منتشر کرد که به آن‌ها کد اختصاری Pfa داده بود. در حدود ۲۵۰۰ متن دیگری که توسط هلوک خوانده شد اما با درگذشت وی در ۱۹۸۰ هنوز منتشر نشده‌اند، شناسه PF- NN یا اختصاری‌تر به صورت NN دارند. در حدود ۱۵۰ گل‌نیشته‌ی دیگر که در موزه‌ی ملی ایران

- نگهداری می‌شود با شناسه Fort معرفی می‌شوند. البته در بازبینی مجدد متن‌ها توسط هنکلمن برای انتشار متن‌های منتشرنشده این مجموعه نیز علاوه بر کد Fort با کد NN نیز مشخص می‌شود.
۷. برای مطالعه‌ی متن‌های گروه‌های A-W نگاه کنید به Hallock 1969: 13-80، و همچنین فیروزمندی و مکوندی ۵۳-۴۹.
۸. به‌عنوان نمونه در متن‌های PF 1285, PF 1344, PF 1397 و چندین متن دیگر شاه مبدا سفر و در متن‌های PF 1462, PF 1444, PF 1319-20, PF 1315-16, PF 1313 و مجموعه دیگری از متن‌ها شاه مقصد سفر مسافران است که عمدتاً مسافرانی هستند که از ساتراپی‌های دیگری به امپراتوری می‌آیند.
۹. در مجموعه ۲۰۸۷ متن منتشرشده گل‌نیشته‌های باروی تخت‌جمشید (Hallock, 1969) ۳۰۵ متن سفر، در ۳۳ گل‌نیشته Pfa (Hallock, 1978) ۱۱ متن و در مجموعه گل‌نیشته‌های PF-NN یا NN که هنوز منتشر نشده‌اند، ۴۰۳ متن Q موجود است. در مجموع از حدود ۴۷۰۰ گل‌نیشته‌ای که تاکنون خوانده شده ۷۱۹ متن مربوط به پرداخت جیره‌های سفر است. برای ساختار متن‌های سفر بنگرید به: مکوندی ۱۳۹۲.
۱۰. به این دلیل که در متن‌های NN شماره‌ها پی‌درپی نیست، در اینجا شماره آن‌ها ذکر نشده است.
۱۱. ۱ قه (QA) واحدی برای مواد جامد و مایع و تقریباً معادل ۱ لیتر است (Hallock 1969: 72).
۱۲. تمرکز پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی جغرافیای بایگانی باروی بر روی جایابی نام‌جاهای ذکر شده در متن‌ها بوده است. مسیره‌های سفر، که برای مطالعه درباره این بحث‌ها بنگرید به: Aperghis 1996; Arfaee 1999; idem 2008; Briant 1992; Koch 1990; Magee et al. 2005; Potts 2008; Tuplin 1998; Volgesang 1985; idem 1992.
۱۳. در متن‌های بایگانی‌های باروی و خزانه تخت‌جمشید، کارمندان در مأموریت‌های اداری و مسافران در مسیر سفر خود، سند مهرشده‌ای که مجازبودن حرکت آن‌ها را تأیید می‌کرد، به‌همراه خود حمل می‌کنند که به‌اصطلاح به آن هلمی گفته می‌شد. هلمی توسط شاه، درباریان و مقامات مهم اداری صادر می‌شده است. با وجود اشاره‌ی مکرر به هلمی در متن‌های عیلامی در این بایگانی‌ها هیچ نمونه‌ی متنی که بتوان آن را هلمی دانست به‌دست نیامده است. همین مسئله سبب شده بسیاری از پژوهشگران متفق‌القول معتقد باشند که هلمی سندی بوده که به آرامی و برروی پوست یا پاپيروس نوشته می‌شده است. برای بحث‌های مربوط به سند مهر شده (هلمی) یا اجازه سفر بنگرید به: Hallock 1960: 247-249, Henkelman 2008: 140-142; Root 2008: 105-106; Tuplin 1998: 82-83; Vallat: 1994: 267-71.
- نمونه‌هایی از اسناد مهرموم شده برروی پوست یا پاپيروس در متن‌های آرامی بایگانی بلخ و نامه‌های ارشامه از مصر این دیدگاه را بیش‌ازپیش تقویت می‌کنند. بنگرید به: Naveh & Shaked 2012; Whitehead 1974; idem 1978.
۱۴. در متن‌های بایگانی‌ها تاریخ بر مبنای سال سلطنت شاه محاسبه می‌شود؛ به‌عنوان مثال، منظور از ماه دوم سال ۲۲ که در متن‌های بایگانی باروی آمده، سلطنت داریوش اول است.
۱۵. بار (BAR) واحد وزن برای مواد جامد است. ۱ بار معادل ۱۰ قه است که اگر هر قه در حدود یک لیتر باشد، ۱ بار تقریباً برابر با ۱۰ لیتر یا ۱۰ کیلوگرم است (Hallock 1969: 72).
۱۶. PFS مخفف Persepolis Fortification Seal به‌معنای مهرهای باروی تخت‌جمشید است که هر مهری که تاکنون بر روی گل‌نیشته‌های باروی شناسایی شده، دارای شماره مشخصی است.
۱۷. مسافرانی که از بخش‌های دیگر امپراتوری به مرکز آن و محدوده بایگانی سفر می‌کنند، به‌احتمال سند مهرشده از طرف ساتراپ آن منطقه دارند، که با ارائه آن جیره خود را در طول مسیر دریافت می‌کنند. مطمئناً این مسافران قبل از رسیدن به محدوده‌ی جغرافیایی تحت کنترل بایگانی باروی باید جیره خود را از محدوده‌ی بایگانی‌های دیگر دریافت می‌کردند. مثلاً در PF 1404 که دثوم (Dauma) با سند مهرشده‌ای از سوی ساتراپ سارد، آرتَه فرنه یا ارتافرنس منابع یونانی (Artaphernes) از سارد به تخت‌جمشید می‌رود، باید در مسیر عبوری خود که از آسیای صغیر تا ساتراپ شمالی بین‌النهرین و از بابل تا شوش می‌گذشته جیره‌هایش را با ارائه همان سند از بایگانی‌های مرکزی این مناطق دریافت می‌کرده است. برای مقایسه بنگرید به بحث یکی از نامه‌های ارشام مصر در دوره‌ی داریوش دوم: Briant 2012, 193-195; Whitehead 1974, 59-68; idem 1978.
۱۸. منظور از خارجی در اینجا مسافرانی است که از ساتراپی‌های دیگر هخامنشی و خارج از محدوده‌ی اداری بایگانی باروی می‌آیند.

۱۹. برای مباحث مربوط به گروه‌های قومیتی و جایگاه آن‌ها در ساختار اداری تخت‌جمشید بنگرید به: Henkelman & Stolper 2009.

۲۰. برای مطالعه جنبه‌های متعدد بحث کورمن در بایگانی بنگرید به: Garrison & Henkelman forthcoming 15- 17.
۲۱. هتوردده (*Haturdada*) در بایگانی از چهار مهر PFS 55, PFS 23, PFS 10 و PFS 107 استفاده کرده است اما هیچ‌یک را هم‌زمان با مهر دیگرش به کار نبرده و به‌طور متوسط هر ۲ سال مهرش را تعویض و مهر دیگر را جایگزین آن کرده است. نخستین مهر او PFS 107 در سال ۲۱ و احتمالاً ۲۲ بود. پس از آن PFS 10 را در سال ۲۲ جایگزین آن کرد و تا سال ۲۳ این مهر را به کار می‌برد. شاهدهی بر حضور هتوردده در فاصله‌ی سال‌های ۲۴ تا ۲۷ نداریم اما او دوباره به‌عنوان تهیه‌کننده در سال ۲۷ با مهر جدید PFS 55 ظاهر می‌شود ولی در سال ۲۸ نیز این مهر را کنار گذاشته و از PFS 23 استفاده می‌کند. در مورد PFS 48 نیز در دوره‌ای کزکه (Kazaka) و سپس بکمیره (Bakamira) از این مهر استفاده می‌کنند.

22. Very best safe-keeper

23. PF 1316, PF 1317, PF 1318, PF 1556, PF 1558, NN 455, NN 3000, NN 3002.

۲۴. باید اشاره کنم که گل‌نیشته‌های بایگانی باروی به استثنای متن‌های بیلان‌ها و حسابرسی‌های سالانه در اداره‌های محلی نوشته شده و سپس نسخه‌ای از آن را به اداره‌ی مرکزی در تخت‌جمشید ارسال می‌کردند. بنابراین، وجود چندین گل‌نیشته مرتبط با یک سفر مشخص که در ایستگاه‌های سفر مختلف در طول مسیر سفر مسافران نوشته شده، دور از انتظار نیست.

25. در متن‌های PF 1340, PF 1341, PF 1375, NN 398, NN 580, NN 1268, NN 2560

26. PF1284, PF 1297, PF 1307, PF 1343, PF 1566, Fort 819, Fort 906, Fort 6749, Fort 7093, Pfa 15, Pfa 19, Pfa 20, Pfa 21, Pfa 30, Pfa 31, NN 481, NN 621, NN 844, NN 885, NN 937, NN 1023, NN 1219, NN 1647, NN 1803, NN 1814, NN 1863.

27. KASKAL. Lg hašašta- da / KASKAL. Lg hašip.

منابع

بریان، پیر (۱۳۸۶) «از ساردیس تا شوش»، در وحدت سیاسی و تعامل فرهنگی در شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه: ناهید فروغان، تهران، اختران، ۲۸۰-۲۶۱.

فیروزمندی، بهمن؛ لیلیا مکوندی (۱۳۸۸)، «گل‌نیشته‌های باروی تخت‌جمشید (خط و نوع متن آن‌ها)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۲، دوره ۱، صص ۶۲-۴۹.

کتزیاس (۱۳۹۰)، پرسیکا، ترجمه: فریدون مجلسی، تهران، دانشگاه تهران.

گزنفون (۱۳۵۲)، *کوروش‌نامه*، ترجمه رضا مشایخی، چ. دوم، تهران، علمی و فرهنگی.

مکوندی، لیلیا (۱۳۹۲)، «متن‌های سفر در بایگانی باروی تخت‌جمشید»، *پازند*، سال نهم، شماره ۳۲-۳۳، صص ۸۸-۵۹.

هرودوت، (۱۳۳۶)، *تاریخ هرودوت*، ترجمه هادی هدایتی، تهران، دانشگاه تهران.

Azzoni, A., 2008. The Bowman and the Aramic tablets, in: P. Briant; W. Henkelman & M. Stolper (eds.), *l'archive des fortifications de Persépolis. etat des questions et perspectives de recherches*, Paris., (Persika 12), Paris: De Boccard, pp. 253-236.

Briant, P., 2012. From the Indus to the Mediterranean: the administrative organization and logistics of the Great Roads of the Achaemenid Empire, in: S. Alcock, J. Bodel and R. J. A., Talbert, R., (eds.), *highways, byways, and road systems in the pre-modern world*, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, pp. 185- 201.

Callieri, P., 1995. *Une borne routière grecque de la région de Persépolis*, 'comptes-rendus des séances de l'académie des inscriptions et Belles-Lettres 139: 65-73.

Dusinberre, E.R.M., 2008. Seal impressions on the Persepolis fortification Aramaic tablets: preliminary observations', in: P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), *l'archive des fortifications de Persépolis. etat des questions et perspectives de recherché*, Paris, pp. 239-252.

Garrison, M.B., 1988. *Seal workshop and artists in Persepolis: a study of seal impressions preserving the theme of heroic encounter on the Persepolis fortification and treasury tablets*, Ph. D Dissertation, University of Michigan (UMI 8907034), Ann Arbor.

- 1991. Seals and the elite at Persepolis: some observations on early Achaemenid Persian art, *Ars Orientalis* 21: 1- 29.
- Garrison, M. B., and Henkelman, W. F. M., (Forthcoming) Sigillophobe suppliers and idiosyncratic scribes: administrative profile and glyptic behaviour in the Persepolis fortification archive, in: E. R. M., Dusinberre and M. B., Garrison (eds.), *The art of empire in Achaemenid Persia: Festschrift in honour of Margaret Cool Root* (Achaemenid History 16), Leiden.
- Garrison, M.B., and Root, M.C., 2001. *Seals on the Persepolis fortification tablets, part 1: images of heroic encounter*, 2 vols. Chicago.
- Gershevitch, I., 1951. Review of Cameron (1948), *Asia Major* 2, 132-144.
- 1969. Iranian nouns and names in Elamite Garb, *Transactions of the Philological Society*, 165-200.
- Graf, D. F., 1994. The Persian Royal Road system, in: H. Sancisi- Weerdenburg & A. Kuhrt (eds.), *Asian Minor and Egypt, old cultures in a new empire*, Leiden, pp. 167- 189
- Hallock, R., 1950. New light from Persepolis, *Journal of Near Eastern Studies* 9 (4): 237-252.
- 1969. Persepolis fortification tablets (*OIP* 92), Chicago.
- 1978. Selected fortification texts, *CDAFI* 8: 109-136.
- 1985. The evidence of the Persepolis tablets, in: Ilya Gershevitch (eds.), *the Cambridge History of Iran, volume II: The Median and Achaemenid periods*. Cambridge, Cambridge University press, pp. 588- 609.
- Henkelman, W.F.M., 2002. Exit der posauenbläser: on lance-guards and lance-bearers in the Persepolis fortification archive, *ARTA* 2002.007.
- 2008. *The other Gods who are: studies in Elamite-Iranian acculturation based on the Persepolis fortification texts*. Leiden.
- 2013. Administrative realities: the Persepolis archives and the archaeology of the Achaemenid heartland, in: D. Potts (ed.), *the Oxford handbook of the Ancient Iran*, Oxford University Press, pp. 528- 546.
- [forthcoming], Imperial signature and imperial paradigm: the Persepolis archives and the Persian Empire, in: W.F.M., Henkelman & B., Jacobs (eds.), *the administration of the Achaemenid Empire – tracing the imperial signature* (Classica et Orientalia); Wiesbaden.
- HENKELMAN, W.F.M., & STOLPER, M.W., 2009. Ethnic identity and ethnic labelling at Persepolis: the case of the Skudrians, in: P. Briant & M. Chauveau (eds.), *Organisation des pouvoirs et contacts culturels dans le pays de l'empire achéménide* (Persika 14), Paris pp. 271-329.
- Herzfeld, E.E., 1941. *Iran in the Ancient East*, London.
- Hinz, W., & Koch, H., 1978. *Elamisches Wörterbuch*, 2 vols. (Archäologische Mitteilungen aus Iran Erg Bd. 17), Berlin.
- Janković- Cysewski, B., 2008. Travel provisions in Babylonia in the first millennium BC, in: P., Briant, W. F. M., Henkelman, M. W., Stolper (eds.), *Les archive des fortifications de Persépolis dans le contexte de l'Empire achéménide et de ses prédécesseurs* (Persika 12), Paris. pp. 429- 464.
- Jones, C.E., and Stolper, M.W., 1986. Two late Elamite tablets at Yale, in: De Meyer, Gasche and Vallat, (eds.), in "Fragmenta Historiae Elamicae" , Paris: Editions Recherche sur les civilisations, pp. 243-254.
- (2008), How many Persepolis fortification tablets are there? in: P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), *l'archive des fortifications de Persépolis. etat des questions et perspectives de recherché*, Paris pp. 27- 49.
- Kessler, K., 1997. Royal roads and other questions of the Neo-Assyrian communication system, in: S. Parpola and R. M. Whiting (eds.), *Assyria 1995: Proceedings of the 10th anniversary symposium of the Neo-Assyrian Text Corpus Project*, Helsinki, Neo-Assyrian Text Corpus Project, Pp. 129-36.

- Koch, H., 1986. Die Achämenidenzeit Poststraße von Persepolis nach Susa, *AMI* 19: 133-147.
- Krefter, F., 1971. *Persepolis Rekonstruktionen*, Berlin.
- Kuhrt, E., 2007. *The Persian Empire: A corpus of sources from the Achaemenid period*, (2 vols.) London.
- Mayerhofer, M., 1971. *Neuere Forschungen zum Altpersischen*, in: *DorumIndogermanicum: Festgabe für Anton Scherer zum 70. Geburtstag*, Heidelberg, pp. 41-66
- (1979), *Die altiranischen namen*, Wien.
- Naveh J., & Shaked Sh., 2012. *Aramaic documents from ancient Bactria* (Fourth Century BCE) from the Khalili Collections, London.
- Parpola, S., 1987. *The correspondence of Sargon II, Part I: letters from Assyria and the west*, State Archives of Assyria 1. Helsinki University Press.
- Root, M. C., 1990. (2008). The legible image: how did seals and sealing matter in Persepolis?, in: P. Briant; W. Henkelman & M. Stolper (eds.), *l'archive des fortifications de Persépolis, état des questions et perspectives de recherches*, Paris, (Persika 12), Paris; Pp. 87-14.
- Schmidt, E., 1953. *Persepolis, (vol. 1): structures, reliefs, inscriptions*, Chicago.
- Tavenier, J., 2008. Multilingualism in the fortification and treasury archives, in: P. Briant, W.F.M. Henkelman & M.W. Stolper (eds.), *Les archives des fortifications de Persépolis dans le contexte de l'Empire Achéménide et de ses prédécesseurs*, Actes du colloque organisé au Collège de France et au Centre de l'Université de Chicago à Paris, 3-4 Novembre 2006 (Persika 12), Paris pp. 59- 84.
- Tuplin, C., 1998. The seasonal migration of Achaemenid kings, in: M. Brosius & A. Kuhrt (eds.), *Achaemenid history XI: studies in Persian history, Essays in Memory of David M. Lewis* Leiden, pp. 63- 114.
- Vallat, F., 1994. *Les noms géographiques des sources suso-élamites* (RGTC 11 = Beih. TAVO B 7/11). Wiesbaden.
- Whitehead, J. D., 1974. *Early Aramaic epistolography: the Aršames correspondence*, University of Chicago.
- 1978. Some distinctive features of the language of the Aramaic Aršames correspondence, *Journal of Near Eastern Studies*, 37 (2) Colloquium on Aramaic Studies (Apr., 1978), pp. 119-140.